

## برنامه درسی به عنوان یک گفتمان سیاسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹

دکتر محمدرضا یوسف زاده چوسری<sup>۱</sup>

### مقدمه

کسب بینش و دانش سیاسی از فراگیری دانش حرفه‌ای و تخصصی مهم‌تر است (روننگ یو، 2012 ص ۲۴۵). نظریه سیاسی به بررسی تاریخی، تحلیلی و انتقادی ایده‌ها و اندیشه‌های حاکم، فهم ساختار قدرت، فهم مبانی تعاملات، شناسایی ارزش‌های مورد تأکید گروه یا گروه‌های خاص، وضعیت حقوق و مشارکت افراد، گروه‌ها و طبقات و جنسیت‌ها در تصمیم‌سازی‌ها و تعیین سرنوشت اشاره دارد (پاپ کویتز، ۱۹۹۷ ص ۱۳۴). برنامه درسی به‌عنوان یک گفتمان سیاسی از ابعاد مختلف قابل بررسی است. فلسفه اساسی و زیربنایی گفتمان سیاسی تغییر جهت‌گیری از دیگر معماری به خود معماری آگاهانه است گفتمان‌های سیاسی می‌توانند دارای ماهیت دوگانه بازدارنده و سوق‌دهنده باشند. گفتمان سیاسی بازدارنده در برنامه درسی منجر به یکسان‌اندیشی، رفتار کلیشه‌ای، رفتار سازشکارانه و وابسته و اطاعت و انقیاد می‌گردد و موجبات پذیرش بدون قید و شرط نظام اجتماعی موجود را فراهم می‌سازد. در مقابل گفتمان سیاسی سوق‌دهنده می‌تواند مروج و مبلغ رفتارهایی چون جرأت‌ورزی، ریسک‌پذیری، رفتار هوشمندانه و مبتنی بر آگاهی و باشد. این گفتمان سه رسالت اصلی تحلیل، تفسیر و رهایی بخشی را برای برنامه درسی ترسیم می‌کند و در صدد است تا از طریق برنامه درسی زمینه فهم و تحلیل ماهیت و ساختار نظام سیاسی و اجتماعی موجود را فراهم سازد و با توانمند ساختن فراگیران جهت ارائه تفسیرهای چندگانه از مسائل، ضمن آشکارسازی ماهیت پنهان و آشکار ارزش‌های حاکم و ایده‌های حامی و پشتیبان آن‌ها، زمینه مقاومت سازنده، بازسازی و اصلاح و مهم‌تر از همه خلق ساختارهای نوین را فراهم سازد (مون، ۲۰۱۲ ص ۶). این نوع گفتمان برنامه درسی در صدد توجه به مسائل واقعی فراگیران از طریق پرداختن به قصه‌ها و روایت‌ها واقعی آن‌ها است و از فراروایت‌ها و تجویزهای عمومی میرا است (ریندمان، 2008 ص ۳۱۷) در این مقاله برخی از مهم‌ترین این گفتمان‌ها و تأکیدات اصلی آن‌ها مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

### خاستگاه گفتمان سیاسی در برنامه درسی

گفتمان سیاسی در برنامه درسی با نام صاحب‌نظرانی چون فریره، ژبرو، اپل، رید، ایلچ، مک کوئین و متفکران نظریه انتقادی عجین است. در برنامه درسی ملی ایران نیز این موضوع با تأکیداتی چون ترجیح منافع ملی بر منافع حزبی و گروهی؛ قانون‌مداری؛ توجه به آزادی مسئولانه؛ مشارکت اجتماعی؛ باور و التزام عملی به ولایت فقیه و ارتقاء جایگاه علمی، سیاسی، فرهنگی و معنوی مورد توجه واقع شده است (برنامه درسی ملی، ۱۳۸۹). فریره با طرح مباحثی چون آموزش ستم‌دیدگان، سواد اجتماعی، رشد آگاهی‌های اجتماعی، کشف مصادیق سلطه نظام سرمایه داری و فهم راز و رمز پنهان نظام برنامه‌ریزی درسی و شعار خواندن یک عمل سیاسی است، زیربنای نظریه سیاسی برنامه درسی را فراهم نمود (یوسف زاده، ۱۳۹۲). او نظام آموزشی را در خدمت فرهنگ سکوت که به‌زعم وی ویژگی خاص طبقه تحت سلطه بود، می‌دانست و معتقد بود آموزش و پرورش به‌عنوان ابزاری برای جذب، انطباق و هماهنگ‌سازی نسل جدید با نظام حاکم است. به‌زعم وی راه نجات افراد جامعه از ستم و سلطه حاکم افزایش آگاهی‌های اجتماعی از طریق تعلیم و تربیت رهایی بخش است (فریره، ۱۹۹۸ ص ۷۹) ژبرو

برنامه درسی را به‌عنوان یک متن سیاسی تلقی نموده و توجه خود را به تعارضات در عرصه سیاست، فرهنگ و آموزش و پرورش معطوف نموده است. به‌زعم وی، طبقات مسلط، از نهادهای اجتماعی نظیر مدارس برای تجدید شرایط استثمار و برای تحکیم و تداوم سلطه خود بهره می‌گیرند؛ و اشکال متداول و کنونی نظام آموزش مدرسه‌ای نوعی یکسان‌اندیشی را دامن می‌زنند. به‌زعم وی تنها راه‌حل این است که اشکال کنترل که مدل‌های جاری نظام آموزشی را شکل می‌دهند تغییر داده شوند و اشکال نوینی جایگزین آن شوند و حاشیه رانده‌ها به متن بازگردند از منظر ژيرو مدارس و معلمان دارای علائق سیاسی و ایدئولوژیکی هستند و بنابراین از لحاظ سیاسی بی‌طرف و خنثی نیستند و می‌توانند در شکل‌دهی ساختار روابط اجتماعی و ارزش‌ها در کلاس درس و جامعه نقش بی‌بدیل ایفا کنند (ژيرو، ۱۹۹۲ ص ۸۲) از منظر اپل بین فرهنگ و قدرت رابطه تنگاتنگی وجود دارد. بین عمل و فعالیت مدارس و سیاست پیوند عمیق وجود دارد از دیدگاه وی زمینه سیاسی و اجتماعی بر چه چیزی، چرایی و چگونگی برنامه درسی و آموزش تأثیر می‌گذارد (اپل، ۱۹۹۰ ص ۶۵). از منظر اپل اگر برای برنامه درسی مدارس نقشی غیر از باز تولید متصور نشویم، به قابلیت تحول‌آفرینی آن پی نبرده‌ایم. در دنیای واقعی آموزش، مصادیقی از تضاد و تعارض، مقاومت و استقلال نسبی به چشم می‌خورد یعنی مدارس و برنامه درسی اگرچه می‌توانند در خدمت تحکیم نظام سیاسی و باز تولید باشند، اما می‌توانند در ایجاد بدبینی و سست کردن نظام سیاسی و تخریب آن نیز مؤثر باشند و شکل نظریه تربیتی مقاومت را به خود بگیرند (اپل، ۱۹۹۵ ص ۱۵۰) از منظر رید، هیچ برنامه درسی بدون اخلاق، ارزش و سیاست وجود ندارد. در برنامه درسی باید جستجوی عدالت و کمال طلبی با ارزش تلقی شوند و باید تربیت لیبرال یعنی تربیتی که به فرد استعداد عمل آگاهانه می‌بخشد و او را به قضاوت مستقل دعوت می‌کند؛ محترم شمرده شود (رید، ۱۹۹۲ ص ۲۸). ایلچ با طرح مفهوم مدرسه زدایی، معتقد بود مدارس دانش‌آموزان را مطیع و اطاعت پذیر بار می‌آورند و مشوق نابرابری‌های اجتماعی هستند و استقلال فراگیران را می‌گیرند و اجازه اظهار نظر و خود ابرازی به دانش‌آموزان نمی‌دهند لذا باید فرصتی فراهم شود تا افراد آزادانه به تولید فکر و اندیشه بپردازند مک کویین نیز با طرح آموزش آزاد جهانی با تأسی از ویلیام رید به نظریه سیاسی برنامه درسی اهتمام خاص داشته‌اند (نال، ۲۰۱۱ ص ۹۴).

### گفتمان‌های سیاسی برنامه درسی

اغلب گفتمان‌ها و نظریه‌های سیاسی برنامه درسی ابزار تحقق جهت‌گیری‌های سیاسی را برنامه درسی پنهان و تئوری انطباق تلقی می‌کنند. از منظر آن‌ها رسالت اصلی برنامه درسی پنهان تثبیت کنترل و شرایط موجود است. آن‌ها بر این باورند که از طریق برنامه درسی پنهان، دانش‌آموزان برای مقاصد خاصی آماده می‌شوند و خود نیز ناآگاهانه از این مقاصد حمایت می‌کنند (پاپ کویتز، ۱۹۹۷ ص ۱۳۲) مدافعان اصلی نظریه انطباق در برنامه درسی پنهان، کارکرد اصلی برنامه درسی پنهان را کنترل و نظارت اجتماعی می‌دانند. از نظر آن‌ها برنامه درسی پنهان دستور کار سیاسی و اقتصادی دارد و دانش‌آموزان را وادار می‌کند تا صرف نظر از توجه به موقعیت خود، نظام سیاسی و اقتصادی جامعه خود را پذیرفته و آن را بهترین نظام اجتماعی بدانند (مرزوقی، ۱۳۸۳ ص ۱۰۰) همان‌گونه که در چکیده اشاره شد، گفتمان سیاسی در برنامه درسی با تحلیل و واکاوی مفاهیم گوناگون مقاومت، عدالت اجتماعی، ساختار و ماهیت قدرت، ساختار و ماهیت ستم، فرهنگ سکوت، نقد، سواد اجتماعی، رهایی بخشی، قشربندی، لایه‌های پنهان برنامه درسی، خنثی نبودن و استیلا سروکار دارد (مون، ۲۰۱۲ ص ۷) بر این اساس در جدول زیر برخی از مهم‌ترین نظریه‌های سیاسی در برنامه درسی که به این مفاهیم اهتمام دارند به اختصار معرفی شده‌اند:

نام نظریه	پیشگامان	تأکیدات
نظریه محافظه‌کاری	دورکیم، پارسونز، پیترسون و هریس	بر این اساس در برنامه درسی باید مفاهیمی از قبیل سازش و وفاداری، یکسان‌سازی، کنترل شدید، تثبیت، حفظ وضع موجود، حفظ سنت‌ها، انضباط اجتماعی، انضباط فکری، دانش تخصصی، رعایت توالی و سلسله مراتب مورد تأکید و توجه قرار گیرد (بلیماکی، ۲۰۱۳)
نظریه بازآفرینی	باولز، جنیتس، بوردیو، وبرنشتاین	مشکلات موجود در نظام آموزشی ناشی از ساختار تضاد طبقاتی جامعه است و نظام آموزشی آن را بازتولید می‌کند اقتصاد و قشربندی‌ها به فعالیت مدارس جهت می‌دهد. آن‌ها نابرابری آموزشی را بخشی از واقعیت‌های جامعه‌ی سرمایه‌داری دانسته و معتقدند سلسله‌مراتب روابط موجود در کلاس معرف سلسله مراتب ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌هایی که در عرصه‌ی کار وجود دارد (وست بری و جوفری، ۲۰۰۶)
نظریه مقاومت	اپل، پاول ویلیس، گرانت نیل	فرض زیربنایی حامیان این نظریه نادیده گرفتن و عدم توجه به قابلیت و توان معلمان و دانش‌آموزان و در یک عبارت مدرسه جهت مقابله و مقاومت در برابر باز تولید روابط اجتماعی حاکم و حاکمیت سلطه است به‌زعم آن‌ها مدرسه می‌تواند در صورت فراهم بودن ساز و کارها علیه علایق و منافع نظام سلطه قیام کند و رفتار رقیب داشته باشد و لازمه رفتار رقیب آموزش سواد انتقادی است (جانسون و همکاران، ۱۹۸۷)
نظریه همزمنی	گرامشی	از منظر وی همزمنی ترکیبی از سلطه و مقاومت است و نوعی رضایت خود ساخته و خود انگیخته است. به‌زعم او طبقه حاکم ممکن است اجماع بر سر قدرت خود را از طریق وسایل ایدئولوژیک تأمین کند. گرامشی در صدد فهم این نکته است که چگونه در جوامع سرمایه داری برخی از روشنفکران به سود سرمایه‌داران عمل کرده و توانسته‌اند رهبری فکری و موافقت توده را به دست آورند و نهایتاً شرایطی را فراهم آورند که مردم باور کنند بر خود حکومت می‌کنند (رائی تهرانی، ۱۳۸۸)
نظریه فمینیستی	نادینگز	نظریه‌ای است که بر حقوق مساوی زنان با مردان در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأکید دارد. نسبت به تبعیض‌های جنسیتی در جنبه‌های مختلف آموزش مدرسه‌ای از جمله ساختارها، کتاب درسی و سیاست‌های رسمی و غیررسمی مدرسه منتقد است و سعی دارد از طریق برنامه درسی سیاسی تغییرات اساسی و ریشه‌ای در رویکردهای موجود ایجاد کند (داکسینگ، ۲۰۱۱).
نظریه انتقادی	فریره، ایلچ، کونتر، ژبرو، رید، بری، کوپین	برنامه درسی باید در صدد تربیت افراد خودآگاه <sup>۱</sup> و رهایی بخش <sup>۲</sup> و کارگزار فکور باشد، مدارس باید تحول آفرین باشند. برنامه درسی باید بتواند فراگیران را تحلیل‌گر و انتقادی بار آورد؛ فراگیری که بتوانند آگاه، مصلح و منتقد و سازنده اجتماعی باشند (پاینار، رینالدز، پاتریک و پیتر، ۱۹۹۶). بر اساس این نظریه دانش‌آموزان متخصص و ایده پردازند، دانش ثابت نیست، هویت خود شرح حال نویسی مهم تلقی می‌گردد (وایتی، ۲۰۱۲) بین زبان و قدرت در هم تنیدگی عمیق ایجاد می‌شود و باید فرهنگ خود ارزشیابی و تغییرات اجتماعی به ارزش‌های حیاتی مبدل گردند (راتا، ۲۰۱۴)
نظریه دموکراتیک	دیویی، مک کوئین	بر اساس این نظریه باید در برنامه درسی مفاهیمی چون فرصت انتخاب و تصمیم‌سازی، رشد همه جانبه، رعایت حقوق یکدیگر، هم‌آموزی، تسهیم دانش، همزیستی مسالمت‌آمیز، افزایش کران بهزیستی، هویت جمعی و رشد گروهی مورد تأکید ویژه قرار گیرد و دریک عبارت فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهادینه شود (نیل، ۲۰۱۴)
پست‌مدرن	لیوتار، رورتی، کواین	برنامه درسی به‌عنوان مفهومی سیاسی در صدد توجه به تفاوت‌های فردی و فرهنگی است و باید از فراروایت‌ها، قطعیت‌گرایی و عینیت‌گرایی محض به دور باشد (رهنما، سبحانی نژاد و علیین، ۱۳۸۷)

## 2. Tu Dexiang

## بحث و نتیجه‌گیری

با تأمل در نظریه‌های سیاسی برنامه درسی در مجموع می‌توان گفت که از منظر این نظریه‌ها بین ایدئولوژی و برنامه درسی پیوند ناگسستنی وجود دارد و هر نظریه سیاسی فرهنگ و خرده فرهنگ‌های خاص و به بیان ساده اکولوژی خاصی را تبلیغ و ترویج می‌کند. در برخی از نظریه‌های سیاسی برنامه درسی بدون توجه به زمینه و دنیای واقعی و در برخی دیگر بدون توجه به محیط محاط عقیم است. برخی نظریه‌ها بر انفعال، انقیاد و اطاعت محض و برخی دیگر بر مثلث تحقیق، تحلیل و تفسیر و چرخه آگاهی، نقد و عمل سازنده در برخورد با مسائل تأکید دارند؛ اما نکته و نگرانی همیشگی اساسی و تا حدودی واقعی مربوط به نظریه‌های سیاسی برنامه درسی سیاسی این است که به‌زعم طراحان و مجریان برنامه درسی بسیاری از اشارات و دلالت‌های این نظریه‌ها فقط در قالب گفتمان‌های ذهنی و آموزه‌هایی در قالب قاب‌های زیبا در آمده و تحقق آن‌ها در محیط‌های واقعی سخت و دشوار است. مع‌الوصف بر اساس نظریه‌های سیاسی نوین در برنامه درسی باید، سواد و آگاهی‌های اجتماعی، ترغیب سواد انتقادی، کشف لایه‌های زیرین و پوشیده برنامه درسی، تمرین خودگردانی، انتخاب، آزادی و رهایی از ساختارهای ستم‌تحمیلی و تحول‌آفرینی مورد توجه قرار گیرد. اجتناب از تعلیم و تربیت تک‌صدایی و تمسک به تعلیم و تربیت چند صدایی در این گفتمان‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. و باید زمینه حضور هر چه بیشتر گروه‌های جانبی، ستم دیده و به حاشیه رانده شده در بطن و متن برنامه درسی فراهم شود برای تحقق این مهم باید رویکرد حاکم در برنامه درسی، رویکرد انتقادی و نوع برنامه درسی، کثرت‌گرا و چند فرهنگی و منابع یادگیری متعدد و متکثر و روش پژوهش در برنامه درسی روش پدیدارشناسانه باشد

## منابع

- رائی تهرانی، حبیب (۱۳۸۸). نظریه هژمونی: آنتونی گرامشی، علوم اجتماعی، شماره ۱۶ ص ۹۹-۱۰۸
- رهنما، اکبر و سبحانی نژاد، مهدی و علیین، حمید (۱۳۸۷). بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، دوماهنامه دانشور رفتار، شماره ۳۰، شهریور ۱۳۸۷، ص ۱-۲۸.
- برنامه درسی ملی (۱۳۸۹). تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- مرزوقی، رحمت اله (۱۳۸۳). نظریه‌ها، روش‌ها و برنامه درسی تربیت سیاسی (همراه با مطالعه موردی در ایران)، شیراز انتشارات مشکوه
- یوسف زاده چوسری، محمدرضا (۱۳۹۲). نظریه تربیتی و رویکرد برنامه درسی از منظر عمل‌گرایی نوین، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال دهم، دوره دوم، شماره ۱۰ (پیاپی ۳۷)، تابستان ۱۳۹۲، صفحات ۵۷-۴۶.
- Apple, M. W (1990). Ideology and curriculum, second edition. New York. Routledge
- Apple, M. W (1995). Education and power, second edition, New York, Routledge
- Dexiang, T. (2011). In career guidance for College Students Ideological and political education content and the feature. Party building, 6 (fall): 67-69.
- Freire, P (1998). Pedagogy of freedom: Ethics, democracy and civic courage. Lanham, Rowman & Littlefield Publishers
- Giroux, H (1992). The Emancipation of teaching, innovations in education reforms and their critics, sixth edition, Allyn and Boston.

1. Self-Conscious
2. Emancipating Activity



- Jonson, D. W & et al (1987). The impact of conflict resolution and middle school student, *Journal of Psychology*, 13 (10):10-18
- Moon, S (2012). Cultural transition: Curricular discourse with internalization of curriculum, *Transnational Curriculum Inquiry*, 9 (1):1- 19
- Null, W. (2011). *Curriculum from Theory to Practice*, Roman & Littlefield Publishers, INC, Lanham Boulder New York Toronto Plymouth
- Neil, H (2014). The democratic curriculum: Concept and practice, *Journal of Philosophy of Education*, 48 (3):416-427
- Papkewitz, T (1997). The production of reason and power, curriculum history and intellectual traditions, *Journal of Curriculum Study*, 28 (2):131-134
- Pinar, W. F, Reynolds, W. S, Patrick, T & Peter, M (1996). *Understanding Curriculum*, New York Peter Long Publishing
- Rata, E (2014). The three stages of critical policy: An example of curriculum analysis, *Policy Future in Education*, 12 (3):347-358
- Reid, W (1999). *Curriculum as Institution and Practice: Essays in the Deliberation Tradition*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Rindermann, H (2008). Relevance of education and intelligence for the political development of nations: Democracy, rule of law and political liberty, *Journal of Intelligence* 36, p 306–322.
- Rong, Y (2012). The Research of the Internet Influence to the College Students' Ideological and Political Education, 2nd International Conference on Mechanical, Industrial, and Manufacturing Engineering, *IERI Procedia* (1):243 – 247
- Westbury, I, and Geoffrey M (2006). *Rethinking Schooling: Twenty-five Years*, *Journal of Curriculum Studies*. New York: Routledge.
- Whitty, G (2012). *Social Class and School Knowledge: Revisiting the sociology and politics of the curriculum in the 21st century: Critical Perspectives*, London: Routledge.
- Yilmaki, R. M (2013). Curriculum leadership in a conservative era, *Educational Administration Quarterly*, 48 (2):344-366